

نقشه دوگانه امپریالیسم برای سرکوب انقلاب ایران

- امپریالیسم پاپیای هم دو نقشه را دنبال میکند: بازگرداندن حکومت فاشیستی اویسی‌ها و سپردن قدرت به لیبرال‌های جاده‌صافی‌کن ضدانقلاب
- هتاک و تحریف از سوی «مجاهد» نشانه قدرت استدلال و منطق نیست!
- نیروهای ضدامپریالیستی ایران رفتارته‌واقعیست افغانستان را درمی‌یابند.
- بازگرداندن فاشیسم خواست حداکثر و نهایی امپریالیسم آمریکاست؛ لیبرالها تنها جاده‌صافی‌کن آن هستند.
- رهبری جبهه متحد خلق را تنها ترکیب آن‌در شرایط مشخص اجتماعی - سیاسی تعیین میکند.

صفحه ۴



شماره ۵۲۰ - دوشنبه ۴ خرداد ۱۳۶۰، دوره هفتم، سال سوم
۲۰ رجب ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

امشب بعد از اخبار شب در شبکه اول:

بحث آزاد تلویزیون

درباره «آزادی، هرج و مرج، زورمداری»
باشوکت حزب توده ایران
پخش می‌شود

در این بحث رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران شرکت دارد. سایر شرکت‌کنندگان در این بحث عبارتند از: آقای بهشتی (از حزب جمهوری اسلامی)، آقای نیمان (از جنبش مسلمانان مبارز) و آقای فتاپور (از سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»).

تذکر: طبق اطلاع قبلی تلویزیون قرار بود که این بحث در روزهای دوشنبه ۴ و سه‌شنبه ۵ خرداد ۱۳۶۰ پخش شود. ولی روز پنج‌شنبه تلویزیون اعلام کرد که بعلت تراکم برنامه، پخش اول این بحث ساعت ۵ بعد از ظهر روز جمعه اول خرداد پخش می‌شود. و روز جمعه پخش اول این بحث در محیط سالم و با موفقیت برگزار شد.

نیروهای بسیج به کمک توپخانه نیروی زمینی ارتقاات گام‌هایشان در دشت ذهاب را تصرف کردند

دشمن را نابود کردند. در عملیات روز گذشته رزمندگان انقلاب توانستند ضدحمله دشمن در منطقه شوش را دفع کنند و تعدادی از افراد دشمن را به هلاکت رسانند و یا مجروح کنند. در جبهه‌های ذرفول، ۲ انبار مهمات و یک خمپاره‌انداز دشمن به آتش کشیده شد. همچنین گروهی از رزمندگان انقلاب شامل افراد بسیج و نیروهای مردمی، در روز ۲ خرداد ۶۰ موفق شدند با پشتیبانی توپخانه نیروی زمینی ارتش، ارتفاعات گامیشان در دشت ذهاب را به تصرف خود درآورند. در این عملیات تعداد زیادی از افراد دشمن کشته و زخمی شدند و تعدادی از تجهیزات آنان به غنیمت گرفته شد.

رزمندگان نیروی هوایی نیز در روز ۲ خرداد ۶۰ مواضع دشمن در مناطق بستان و جلفایه را بمباران کردند. جنایتکاران صدام نیز در مقابل، در ۲ روز گذشته، همچنان شهر آبادان را زیر آتش ۲ تانک، ۲ فریب، یک خودرو، ۴ سنگر تیربار و ۳ انبار مهمات

رزمندگان انقلاب در پی پیروزی‌هایی که در روزهای گذشته در جبهه‌های نبرد با تجاوزگران صدامی بدست آوردند، ارتفاعات گامیشان را تصرف و ضدحمله دشمن به منطقه شوش را دفع کردند. آنان طی این عملیات، ۱۷ تانک و ۶ قبضه توپ ضدهوایی دشمن را نابود کردند.

اطلاعی شماره ۵۱۱ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران درباره این عملیات در روزهای ۱ و ۲ خرداد حاکیست که با مباد روز ۲ خرداد ۶۰ رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران با پشتیبانی هوا - نیروی، مواضع دشمن در منطقه دارخوین را مورد حمله قسار دادند و در نتیجه ۱۵ تانک و ۶ قبضه توپ ضدهوایی آنان را نابود کردند. در این عملیات تعدادی از افراد ارتش صدام کشته و زخمی شدند و ۸ تن نیز به اسارت درآمدند. در جبهه‌های آبادان و خونین‌شهر نیز نیروهای خودی، ۲ تانک، ۲ فریب، یک خودرو، ۴ سنگر تیربار و ۳ انبار مهمات

«توطئه‌ای در حال تکوین»

ایجاد زمینه مساعد برای انجام این «کار نهایی» است که، در استراتژی تمام ضدانقلابها، بمعنای صرف حاکمیت سیاسی است. بمب‌گذاری یکی از کوچکترین عناصر این استراتژی ضدانقلابی است. واضح است که با ترکاندن چند بمب، حتی در حساسترین نقاط، نمی‌توان حاکمیت سیاسی را تصرف کرد. ترکش بمبها نقش کمکی و فرعی دارد، و آن از یکسو ایجاد رعب و وحشت و از سوی دیگر (که بسیار مهمتر است) اثبات ناتوانی حکومت انقلابی و توانایی ضدانقلاب است. اگر بمبها پی‌دیدی بترکند و ترکشها ادامه‌یابند، این امر خود بخود دلیل بر آنست که حکومت انقلابی مسلط بر اوضاع نیست. اینکه بختیار و دوستانتی، که مثلث «قیسار مدنی، نزیه و مقدم‌مراغه‌ای» را تشکیل داده‌اند، چنین شیوه و حشیانه و مساوت‌بازی را برای نیل به هدفهای سیاسی خود برگزیده‌اند، و بختیار بخصوص تاکید میکند که بمبها در محل نماز جمعه گذارده شوند، بار دیگر از چهره لیبرالهای ملی و «اسلامی» پرده برمی‌دارد و عیار «ملیت» و «اسلامیت» مدنی‌ها، نزیه‌ها و مقدم‌مراغه‌ایها را، که فرار کرده‌اند، و دوستانشان را که فرار نکرده‌اند و در ایران همان سیاست را دنبال میکنند، نشان میدهد.

شبکه ارتباط «پارس» را، طبق گفته آقای ری‌شهری، دنبال کنید، ببینید از کجا سر در می‌آورد: «یکی از رهبران دستگیر شده این گروه در بازجویی گفته است، بختیار توسط تعدادی از بازاریان حمایت شده... برای بختیار تعدادی حساب (بنامهای دیگر) در بانکهای کشور باز شده و کمکهای نیز جمع‌آوری شده است.» این «تعدادی از بازاریان» کیستند که میتوانند در بانکهای کشور برای هزینه گروههای ضد انقلابی حساب باز کنند؟ همان سرمایه‌دارانی که ۱۲۰ میلیارد تومان منفعت برده‌اند و حاضرند برای برقراری سلطه مجدد خود، ده بیست میلیارد آنرا سرمایه‌گذاری کنند. این «تعدادی از روحانیان قبی» (فرق نمیکند بقیه در صفحه ۴

حجت‌الاسلام محمدری‌شهری، حاکم شرع و رئیس دادگاه انقلاب اسلامی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در یک گفتگوی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی از وجود سازمانی بنام «پاسدازان رژیم سلطنتی» (که بصورت مخفی خودشان را «پارس» می‌نامند) پرده برداشت و آنرا «سازمان گسترده‌ای» نامید که در خارج کشور با فراریان ضدانقلابی و در داخل کشور با «تعدادی از بازاریان» و «تعدادی از روحانیون» در قم (آقای ری‌شهری افزودند: «بقول ما روحانی‌نمایان») تماس داشته‌اند. ایشان همچنین اطلاع دادند که ۱۸ نفر از اعضای اصلی این سازمان، که قصد بمب‌گذاری در چند مرکز حساس (از جمله در محل نماز جمعه تهران) را داشته‌اند، دستگیر شده‌اند و افزودند که سازمان نامبرده ۲۵۰ تا ۳۰۰ عضو دیگر نیز دارد.

یکی از افراد دستگیر شده این سازمان در اعترافات خود، که از شبکه رادیو تلویزیون (دوم خرداد ۶۰) پخش شد، با پیشروی خاص خود فروختگان گفت که، از فرح و رضا پهلوی پول میکرفته و با این پول عده‌ای از اوباش را، که دستشان در آدم‌کشی نیملرزیده است، برای بمب‌گذاری در محل تجمع مردم بیگناه اجیر میکرده است. وی گفت که بختیار بخصوص تاکید داشته است که بمبها در محل نماز جمعه منفجر شوند، چرا؟ پاسخ این پرسش را تنها در ارتباط با تاکتیک و سیاست کلی ضدانقلاب میتوان یافت.

آقای ری‌شهری تاکنیک ضدانقلاب را بدرستی شرح داد، و گفت که امریکائیا، پس از آنکه «در امتداد جریان طبعی و کودتای نافرجام و حمله عراق به ایران فهمیدند که به آن صورت امکان ندارد به ایران بازگردند و مسلط شوند، به خیال خام خودشان به فکر افتادند از یک طریقی... چو نارضایتی را در مردم گسترش دهند و کار نهایی خود را برای وقتی بگذرانند که نارضایتی‌ها به حد اتلائی خودش رسیده باشد.» مسلم است که اتخاذ این تاکتیک بمعنای صرف نظر کردن «از کار نهایی» یعنی سرکوب مسلحانه انقلاب از طریق مداخله و یا کودتا نبوده و نیست. رساندن «نارضایتی‌ها» به حد اتلائی خودش،

در صفحات بعد

کارگران
نساجی‌های
اصفهان
گردان رزمنده
طبقه کارگر ایران

نمایشگاه
دلآوری‌های خلق
وجنایات
تجاوزگران
صدامی

باجنبش پاگوش
آشناشویم

تازه‌های روز

لوح افتخار
را کامل کنیم

درباره یک سفسطه در
منطق راجع به «جزء» و
«کل» و «کلی» و
«جزئی» و نتایج اسلوبی
این سفسطه

«خونتا»ی نظامی
آرژانتین، مردی
جدید را به روی
صحنه میفرستد

مردم ما از دادگاههای انقلاب قضاوت عادلانه و احکام انقلابی در جهت استحکام وحدت جبهه انقلاب و قلع و قمع ضدانقلاب را می‌طلبند

فرزندشان «به اثبات خواهد رسید». آنها که ظالمانه زیر حکم اعدام تامل اسکندری را امضا کرده‌اند، خوب است وصیت‌نامه ساده و معصومانه او را بخوانند و به رهنمودهای امام خمینی درباره اهمیت درجه اول قضاوت عادلانه دادگاههای انقلاب ببینید. صدور احکامی نظیر حکم اعدام بقیه در صفحه ۷

را میدانم که دید غلط نسبت به نیروهای انقلابی دارند.» او با صراحت اعلام کرده است: «بخاطر دفاع از همین که همان دفاع از جمهوری اسلامی است، من میخواستم در جنگ شرکت کنم که دستگیر شدم.» او بر این اساس، به والدینش خاطر نشان ساخته است که: «روزی حقانیت و پاسکی»

در روز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۶۰ اعدام شده است. عادل اسکندری در لحظات پیش از اعدام وصیت‌نامه‌ای از خود برجای گذاشته است که بهترین گواه و سند مظلومیت و برائت اوست. او در وصیت‌نامه‌اش گفته است: «حاکمیت جمهوری اسلامی را ضدامپریالیست میدانم؛ ولی این

آن نهاده‌اند و در شرایطی که رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و دادستان کل انقلاب اسلامی ایران براساس قانون اساسی جمهوری، آزادی فعالیت احزاب و گروههایی را اعلام داشته‌اند که با جمهوری اسلامی ایران جنگ و یا سرچنگ ندارند، و از دادگاهها قضاوت عادلانه را مسرا خواسته‌اند،

با کمال تأسف و تانی اخیرا از خبری دردناک مطلع شدیم حاکی از این که یکی از اعضای سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به نام عادل اسکندری، کسی که شکنجه و زندان رژیم شاه ملمون را کشیده و مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بوده است، در سالی که امام خمینی زیور نام حاکمیت قانون، را بر

تازه‌های روز

بارسندن دارو، واقدامات فوری، جلو موگ و میرگوسفندان «ایلسونها» را بگیرید!

با شروع فصل گرما، ایلسونها (شاهسونهای سابق) منطقه دشت مغان بسوی کوههای سیلان بحرکت درآمده‌اند. آنچه اخیرا باعث ناراحتی خاطر ایلسونها گشته، يك نوع بیماری بنام «قین‌دیرماه» است، که بجان گوسفندانشان افتاده است. متأسفانه داروی این بیماری - «واژوی» - در بازار نیست و در اثر نبودن این دارو، هر روز زحمتکشان «ایلسون» دهها گوسفند خود را از دست می‌دهند. یکی از آنها که بدنبال دارو به شهر سراب آمده بود، می‌گفت:

«دار و ندار ما همین گوسفندهاست، اگر تا همین چند روز آینده دارو گیر نیآوریم، تمام گوسفندهای ما خواهند مرد.»

امیدواریم مقامات مسئول کشاورزی اقدام عاجل در این زمینه مبذول دارند.

سرمایه‌داران بزرگ با تمام قوا علیه انقلاب

در اخبار بود که طی روزهای گذشته، ۲۵۰ کیلو گوشت بیخ‌زده سالم و کمپوت‌های مختلف و همچنین ۱۰۰۰ ماهی سفید تازه، که در اطراف تهران، به‌دورریخته شده بودند، کشف شده‌اند. همچنین طی همین روزها، مقادیر زیادی حشره‌کش، صابون و مایع ظرفشویی احتکار شده، که مورد احتیاج شدید مردم هستند، توسط مامورین ستاد مبارزه با گرانفروشی کشف و ضبط شده‌اند.

این اخبار که در روزهای اخیر بیشتر شده‌اند، از فعالیت گسترده و همه‌جانبه سرمایه‌داران غارتگر برای به‌زاند آوردن انقلاب ایران و تشدید دشواریهای اقتصادی، حکایت میکند.

سرمایه‌داران ضدانقلابی برای تحت‌فشار قراردادن مردم محروم و زحمتکش، و به‌خیال خویش ناراضی‌ساختن آنها از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به هر جنایتی دست می‌زنند: احتکار می‌کنند، در تولید خرابکاری می‌کنند، مواد غذایی را بدور می‌ریزند و ...

این غارتگران که عمل آنها از جنایت کمتر نیست، اکنون آشکارا علیه انقلاب ایران شمشیر کشیده‌اند.

اقداماتی که تاکنون انجام گرفته لازم است، مورد تأیید است، ولی هنوز کافی نیست. میتوان و باید با اتکاء به توده‌های محروم‌جولوی فعال‌مایشتی سرمایه‌داران غارتگر را گرفت و دست آنها را از غارت مردم زحمتکش و محروم کوتاه کرد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران، در جبهه متحد خلق!

توطئه‌ای در حال ...

بقیه از صفحه ۱

کهما آنها را روحانی‌نما بنامیم و یا بنامیم) کیستند که با بختیار تماس دارند و بگفته آقای وی شهری میکوشند «با مجموع این تماسها و کارهایی که انجام میدهند، مرحله اول، یعنی تشدید زمینه نارضایتی و بهره‌برداری از مشکلاتی که در جامعه هست، به حد وافر انجام بشود»؟

روشن است که از دست فلان طلبه یا روحانی کوچک و متوسط چنین کاری ساخته نیست. آن «تعدادی از بازاریان»، که با بختیار تماس دارند و در داخل کشور بحساب او در بانک پول می‌گذارند، تنها با آن «تعدادی از روحانیان» تماس میگیرند، که برای کمک به بازگرداندن آنها برس حکومت، کاری از دستشان برآید. تمام عقب‌گردهای ضدانقلابی در تاریخ ایران به کمک همین «تعدادی از بازاریان» و «تعدادی از روحانیان» انجام گرفته است. خیانتی که اینها به کشور و انقلاب کرده‌اند، چنانکه امام خمینی بارها در صحبت‌هایشان گفته‌اند، از تمام اقتدار دیگر بیشتر بوده است. اذاف‌الدالم فسدالم!

چالب است که ضدانقلاب‌برای برقراری تماس

به مشکلات فرهنگیان هفت گل رسیدگی کنید

قطع حقوق فروردین‌ماه فرهنگیان و کارمندان ادارات هفت‌گل، بخصوص هنگامی که از این افراد بابت استفاده از خانه‌های شرکت نفت اجاره دریافت میشود، موجب نارضایتی آنان شده است. فرهنگیان هفت‌گل، از شروع فعالیت شرکت نفت در این منطقه، از تعدادی از منازل شرکت‌نفت، که در اختیار آموزش و پرورش قرار داده شده، استفاده می‌کردند و از این بابت نیز اجاره‌ای پرداخت نمی‌کردند. لکن اکنون از طرف شهرداری بابت کرایه سکونت، و براساس حقوق فرهنگیان، کرایه‌ای از ۷۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است.

ازسوی دیگر، حقوق فروردین ماه فرهنگیان و کارمندان سایر ادارات قطع شده است و این موضوع نارضایتی زیادی در آنان ایجاد کرده است. فرهنگیانی که حقوقشان قطع شده است، طی تلگرامی که به رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر - منبیره کرده‌اند، ضمن تأکید بر اینکه «در این شرایط حساس که میهن انقلابی ما، درگیر توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم، به‌سرگردگی آمریکاست، هرگونه تشنج، تحسین و اعتصاب زیانبار است»، خواستار حل عادلانه مسئله توسط مسئولین شهرداری و آموزش و پرورش منطقه شده‌اند.

فرهنگیان همچنین با نظارت یک هیئت منفردی، متشکل از نماینده فرهنگیان، شهرداری، سپاه پاسداران و دیگر نهادهای انقلابی، بر نحوه استفاده از درآمد کرایه‌های منازل و بکارگیری آن در عمران و آبادی شهر، موافقت کرده‌اند. آنان همچنین خواستار اخذ کرایه از سایر کسانی که ساکن خانه‌های شرکت‌نفت هستند و از درآمد پلااین‌بیزب خود دارند، شده‌اند.

ما ضمن جلب توجه مقامات مسئول به خواسته‌های فرهنگیان، از آنان میخواهیم که هرچه‌زودتر درجهت رفع مشکلات آنان و حل مسئله قطع حقوق فروردین‌ماه این افراد اقدامات قاطعی انجام دهند. این عمل موجب خواهد شد که ضدانقلاب و عوامل آشوبگر نتوانند از نارضایتی موجود در میان فرهنگیان و کارمندان ادارات این شهر به سود اهداف پلید خود استفاده کنند.

«لوح افتخار» را کامل کنیم

بعد از ۴ ماه، که از انتشار «لوح افتخار» میگذرد، بر بنیاد خواست «نامه مردم» برای کامل کردن این لوح، که نام شهدای حزب قهرمان ما در آن درج میشود، سیل نامه و اطلاع به روزنامه سرازیر است. باید گفت: رفقا مه‌نویزم! و باید افزود: مردم قهرمان ایران، رفقای توده‌ای! هنوز لیست شهدای حزب ما کامل نیست. باز هم به یاری شما نیاز داریم. از شما طلب می‌کنیم که «لوح افتخار» را باز هم کامل کنید.

لطفا در ارسال نام شهیدان - حتماً نکات زیرین را رعایت کنید:

- ۱- مشخصات کامل شهید را از قبیل نام، شهرت، سال تولد، محل تولد، وضع خانوادگی، حرفه و ... بنویسید.
- ۲- سابقه مبارزاتی رفیق شهید را ذکر کنید.
- ۳- تاریخ شهادت، علت دستگیری و علت شهادت رفیق را دقیقاً شرح دهید.
- ۴- عکس رفیق شهید را برای ما بفرستید.

* * *

توجه

- ۱- رفیقی نام شهید احمد مشکات منیر را برای ما فرستاده است. از رفیق فرستنده خواهشمندیم که مطابق نکات یاد شده در بالا، مشخصات کامل زندگی و شهادت رفیق احمد مشکات منیر را برای ما بفرستد.
- ۲- رفیقی نام رفیق شهید علی حسین شمس، دهقان ساکن قرینه دره یا حاجی‌آباد از روستاهای تابع ارواک را برای ما فرستاده است. از همه مطلعانی می‌خواهیم که هر اطلاعی پیرامون زندگی و شهادت این رفیق دارند، مطابق نکات یاد شده در بالا، برای ما بفرستند.

مکمل «لوح افتخار» ما، نام ۱۰ شهید قهرمان دیگر است که در فاصله سالهای ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۶ از صفوف حزب توده ایران ربوده شده و بدست دژخیمان شاه به شهادت رسیده‌اند.

- ۱- احمد وصالی زوزی کارگر معدن، که در آذرماه سال ۱۳۲۵، در زیرآب، به وسیله مزدوران رژیم منحط پهلوی از ارتفاع سیمتری به پایین پرتاب شد و چون زنده ماند، به حکم دادگاه در ایستگاه زیرآب تیرباران شد.
- ۲- حسین تقوی در سال ۱۳۲۳ در اعتصابات به دست ژاندارمها شهید شد.
- ۳- اکبر فایزیک (کارگر نساجی) در ۳۰ تیر سال ۱۳۲۴ به دستور سر لشکر ارفع شهید شد.
- ۴- عیسی محمدی در سال ۱۳۲۸ به اتهام عضویت در حزب توده ایران، به تحریک فتودال معروف گرمسار، در باغی به طرز فجیعی شهید شد.
- ۵- عزیز حمیدی، که در سال ۱۳۲۶ در زندان شهید شد.
- ۶- علی قدمپور (کارگر نساجی) در سال ۱۳۲۴ به دستور سرلشکر ارفع شهید شد.
- ۷- احمد برازنده (نماینده کارگران قالیباف) در سال ۱۳۲۱، به هنگام سخنرانی برای کارگران، توسط دژخیمان آریامبری شهید شد.
- ۸- رضاعلی دهقان (کارگر سابق کارخانه چالوس) در سال ۱۳۲۵ در زیر شکنجه شهید شد.
- ۹- انور پاشا، قبل از کودتای سوم ۲۸ مرداد در شاهرود، توسط دژخیمان رژیم به طرز فجیعی شهید شد.
- ۱۰- انا مراد ابائی، در سال ۱۳۲۵، به هنگام هجوم به کلویپهای حزب در کرگان و ترکمن صحرا، توسط مزدوران رژیم به وسیله کلت کمری در کمیشان شهید شد.

پیام شادباش

سازمان حزب توده ایران - شهرستان بوشهر به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

رفقای گرامی کمیته مرکزی حزب توده ایران با صمیمانه‌ترین درودها و با وجودی سرشار از اعتقاد به سوسیالیسم علمی و با احترامی عمیق نسبت به کمیته مرکزی پرافتخار حزب توده ایران، برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، را صمیمانه تبریک میگوئیم و با درک عمیق مسئولیت تاریخی خویش در این لحظات سرنوشت‌ساز، ضمن اعلام پشتیبانی همه‌جانبه از کلیه مصوبات پلنوم، خود را وظیفه‌مند میدانیم که با تمام امکانات برای تحقق برنامه حزب مصوب پلنوم، جهت تثبیت و تحکیم و گسترش همه‌جانبه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران، بکوشیم.

نفت مورد نیاز سراب را تامین کنید!

توزیع نفت مورد نیاز شهر سراب و حومه از حدود یکماه قبل متوقف شده است. به همین جهت کمبود نفت در منطقه بحدی است که مردم حتی برای سمور و چراغ خوراکی‌های هم نفت ندارند. این وضع و پخش شایعاتی در بین مردم، مبنی بر وجود ۴۰ هزار لیتر نفت در انبار نفت سراب، باعث نارضایتی مردم شده است. ما از مسئولین این شهرستان می‌خواهیم که با حل مشکل توزیع نفت، جلو نارضایتی مردم را بگیرند.

داخل) زمینه را برای انجام «کار نهایی» فراهم سازند.

«کار نهایی» به چه صورت انجام خواهد گرفت؟ پیش‌بینی آن قبل از فراهم شدن زمینه دشوار است. پس مهم‌ترین وظیفه ما در لحظه کنونی از بین بردن این زمینه است. این زمینه پایگاه اجتماعی و اقتصادی دارد. کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان تا هستند و امکان دارند، دست از توطئه برای براندازی حکومتی که صد درصد تابع خودشان نباشد، برنمیدارند. سستی و عدم قاطعیت ما در برابر پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی ضدانقلاب و جاده‌صاف‌کنهای آن، روز بروز این زمینه را تقویت میکند، تا حظه‌ای که برای اجرای «کار نهایی» مانند ۲۸ مرداد، تنها یک فرمان لازم است، آنهم از صدای آمریکا و بی‌بی‌سی!

پس همانطور که با هشیار شبکه بمب‌گذاران کشف شده است - و این مایه خوشحالی و موجب تقدیر است - همانطور هم امید هست که با قاطعیت ریشه توطئه‌گران ضدانقلابی کنده شود، همانطور هم انتظار میرود که پایگاه اجتماعی و اقتصادی ضدانقلاب - کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان - نیز از بین برده شود. هر اقدامی در تمام این زمینه‌ها، بدون تردید مورد پشتیبانی بیدریغ همه مردم زحمتکش و همه نیروهای انقلابی قرار خواهد گرفت.

شبکه ضدانقلابی بختیار به کلان سرمایه‌داران (بازار)، ملاکان بزرگ و روحانیون وابسته به این طبقات متکی است و تمام فعالیت‌های ضدانقلابی خود را در پوشش این طبقات انجام میدهد. هدف فعالیت این شبکه در لحظه کنونی «تشدید زمینه نارضایتی و بهره‌برداری از مشکلاتی است که در جامعه هست». لیبرالها نیز عیناً از این مشکلات و بزرگ کردن آنها برای تشدید زمینه نارضایتی بهره‌برداری میکنند.

ناگفته نگذاریم که انحصار طلبان و قشریون نیز با اقدامات تنگ‌نظرانه و تاریک‌اندیشانه خود بی‌دری «مشکل» می‌آفرینند و به دست لیبرالهای مقیم و فراری بهانه میدهند.

کشف شبکه «پارس» که بقول آقای ری شهری «حکایت از يك توطئه در حال تکوین علیه جمهوری اسلامی ایران دارد»، و اعتراضات دستگیرشدگان این سازمان، یک بار دیگر این حقیقت را به ما یادآوری میکند که امپریالیست‌های آمریکائی از سرما دست برنمیدارند و میکوشند با همکاری تمام نیروهای مخالف انقلاب (از فرج و رضاعلی و اویسی و بختیار گرفته تا مدنی، نژی و مقدم مراغه‌ای در خارج و تعدادی از بازاریان و تعدادی از روحانیان و رملی‌گرایان «اسلامی» و «مسلمانان» ملی‌گرا در

یا این «تعدادی از روحانیان»، مثلث «قیصر مدنی، نژی و مقدم مراغه‌ای» را تشکیل داده است. احاله این مأموریت به آقایان نامبرده نشان میدهد که رهبران ارکستر ضدانقلابی، که همان سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و اسرائیلی باشند، در بیست اجرای مختلف ضدانقلاب تقسیم کار دقیقی انجام داده‌اند. این آقایان هر سه در دوران پس از انقلاب شاغل پست‌های حساسی در دستگاه دولتی بوده‌اند، «ملی‌گرا» و «مسلمانان»، نه ظاهراً وابسته به فرج و رضا پهلوی هستند و نه چون بختیار منصوب «علیحضرت شاهنشاه آریامبر» «مبین-پرستانی» هستند که از دست «آخوندهای مرتجع» مجبور به «جلاي وطن» شده‌اند و تماس گرفتنشان با آن «تعدادی از روحانیون» امری طبیعی و عادی است! آقایان بهترین پلی هستند که میتوان از آن برای برقراری ارتباط بین ضدانقلاب در خارج و داخل استفاده کرد.

عین همین نقش را لیبرالها در داخل بسود بازگشت حکومت سرمایه‌داران ایفا میکنند. شیوه‌های کار متفاوت است، اما هدف یکی است. بختیار دستور بمب‌گذاری میدهد، تا ثابت کند که حکومت قدرت اداره کشور را ندارد و لیبرالها مقاله مینویسند که همین را اثبات کنند.

نورالدین کیانوری:

از جلسه «پرسش و پاسخ» ۶۰/۲/۱۷

نقشه دوگانه امپریالیسم برای سرکوب انقلاب ایران

امپریالیسم پاپیای هم دو نقشه را دنبال میکند: بازگرداندن حکومت فاشیستی اویسی ها و سپردن قدرت به لیبرال های جاده صاف کن ضدانقلاب

پرسش: حملات اخیر نشریه «مجاهد» را به حزب توده ایران چگونه ارزیابی می کنید؟

پاسخ: ما آنچه تا به حال گفتنی بود درباره سازمان مجاهدین خلق ایران گفتیم. قصد ما در اینجا به هیچ وجه درهم شکستن این سازمان نبوده و نیست. تنها می خواهیم به مجاهدین خلق کمک کنیم که به راهی که به نظر ما نهنجا به جنبش انقلابی و ضد امپریالیستی کشور ما، بلکه حتی به خود آن ها صدمه می زند، نروند.

بدبختانه عکس العمل سازمان مجاهدین خلق برانزده نقشی که ما برای آن قائل بودیم، نبوده است. آخرین نمونه آن نیز هتاکتی ها و تحریفات شماره اخیر «مجاهد» است. برای مثال، جواب آن ها را به قسمتی از گزارش هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب ما به پیلنوم هفدهم بگیریم، که مربوط به جماعت داری و ریشه های آن می شود. توصیه ما به مقاله نویسان «مجاهد» این است که اگر از گفته های ما نقل می کنند، لااقل حداقل صداقت را رعایت بکنند، به حذف قسمت های اساسی و تعیین کننده نپردازند. نتیجه گیری درباره مطالب تحریف شده، درجهت غرض ورزی کارساده است.

البته ما این رانسانه قدرت منطق و استدلال نمی دانیم. چون کسانی که به منطق و استدلال خود اطمینان داشته باشند، احتیاجی ندارند که به چنین شیوه های تحریف آمیز و به قول معروف «بازاری» متوسل شوند. امیدواریم که مجاهدین خلق در آینده توجه بیشتری به این امر داشته باشند، چون مردم رانمی شود مدت زیادی غافل نگه داشت. بالاخره چشم ها باز خواهد شد و تاریخ نیرومندتر از این ترندها است.

پرسش: آیا «رویداد شور» یک انقلاب بود یا یک کودتا؟ جزایخی از نیروهای سیاسی ایران، که صادقانه علیه امپریالیسم آمریکا مبارزه می کنند این قدر با افغانستان که همچنین مورد تجاوز آمریکا و دستیارانش قرار گرفتند است، کینه توزانه دشمنی می ورزند؟

پاسخ: درباره سؤال اول باید گفت که دو شکل مختلف می توانند محتوی یکسان داشته باشند و برعکس یک شکل نمایانگر محتوی های گوناگون باشد. این موضوع در مورد تحولات اجتماعی هم صادق است. مثلا در کشورهای سوسیالیستی، انقلاب به صورت های گوناگون صورت پذیرفته است، ولی محتوی همه آن ها ثابت بوده است. در مورد انقلاب های کیورهای رندیابنده، حذ ملی - دیمترانیک و چه با ستمگیری سوسیالیستی نیز وضع چنین است.

برای نمونه مصر و ترکیه را بگیریم. در مصر یک ضربه نظامی از سوی

هتاکتی و تحریف از سوی «مجاهد» نشانه قدرت استدلال و منطق نیست!
نیروهای ضد امپریالیستی ایران رفته رفته واقعیت افغانستان را درمی یابند.
بازگرداندن فاشیسم خواست حداکثر و نهایی امپریالیسم آمریکاست؛ لیبرالها تنها جاده صافی کن آن هستند.
رهبری جبهه متحد خلق را تنها ترکیب آن در شرایط مشخص اجتماعی سیاسی تعیین میکنند.

یک گروه انقلابی، نظام ارتجاعی حاکم را درهم شکست و با پشتیبانی خلق یک رشته تغییرات بنیادی را در مصر پدید آورد. در صورتی که در ترکیه چند ماه پیش یک کودتای نظامی تنها دولت موجود را برکنار و نظام اجتماعی حکمفرما را تثبیت کرد.

خوب، در هر دو مورد در واقع رویدادی به شکل کودتا انجام گرفت ولی در مورد اول به انقلابی منجر شد و در مورد دوم یک کودتای نظامی ارتجاعی ماند.

برعکس، انقلاب هایی که در کوبا، ویتنام، چین، الجزایر، موزامبیک، آنگولا و بنین و غیره انجام شد به اشکال مختلف آغاز گشت، ولی دارای محتوی نسبتا یکسان بود، بدین معنی که تغییرات بنیادی را پایه نهاد. در افغانستان هم نخست گروهی مشکل از نظامیان و افسران مترقی ارتش ضربه ای وارد آورد که بساط سلطنت را برچید و بانگیه مردم و به سود آن ها اصلاحات و تغییرات بنیادی را آغاز کرد - تغییراتی که به انقلاب دمکراتیک - ملی انجامید. بنابراین، ما «رویداد شور» را به عنوان انقلاب ارزیابی می کنیم و برای آن در منطقه اهمیت زیادی قائل هستیم.

اما در مورد بخش دوم سؤال، که چرا متاسفانه بخشی از نیروهای ضد امپریالیستی ایران، که علیه آمریکا هم به شدت مبارزه می کنند، نمی بینند که در افغانستان هم همین آمریکا و عوامل آن هستند که برای درهم شکستن حاکمیت انقلابی تلاش می ورزند. در این باره تحلیلی، که روزنامه «کیهان» چندین پیش پیرامون افغانستان نوشت، جالب است. در مقاله «کیهان»، که به هیچ وجه نمی توان آن را «کمونیست» خواند (گرچه برای لیبرال ها و روزنامه های مانند «میزان»، هر که با لنین جای خورد هم کمونیست است!)، گفته می شود که از ۶۵ گروهی که در افغانستان علیه دولت می جنگند، تنها دو گروه بواقع اسلامی و در خط امام خمینی هستند. از این بگیریم، که یکی از این دو گروه، که دارودسته آقای گلبدین حکمت یار باشد، به عقیده ما همان قدر ارتجاعی است، که آن های دیگر و تنها توانسته است بهتر از دیگران ماسک برچهره بزند، ولی به هر حال این خود پیشرفت بزرگی است. چون زمانی هر که علیه دولت انقلابی افغانستان «مبارزه» می کرد، «ملی»، «غیر وابسته»، «انقلابی» و «ضد امپریالیست» ارزیابی می شد. خوب یادمان هست که آقای قطب زاده این ها را برداشت و با خرج

دولت ایران و به عنوان بخشی از هیئت نمایندگی ایران به کنفرانس اسلامی برد. این ها همان کسانی هستند که بعد پهلوی سادات و ریگان رفتند، از آن ها اسلحه گرفتند و حال دیگر کوس رسوایی شان را بر همه بام ها زده اند. بعد هم همین آقایان «ضد آمریکائی» (!) بودند که به خرج دولت ایران به سوئیس برده شدند و آن تاثیر مسخره را برپا کردند.

اما تاریخ در عرض مدت کوتاهی نشان داد که اسلام این مزدوران، قلابی درآمد و معلوم شد چیزی جز اسلام آمریکائی نیست. نیروهای انقلابی قاعدتا باید بدانند که در افغانستان هم اویسی هست، پالیزبان هست، رزگاری هست، رنجبری و پیکاری هم هست. بنابراین، حالا که ما انواع و اقسام این گونه گروه های ضد انقلابی را خود داریم، باید تعجب کرد که برخی از نیروهای انقلابی چنین پدیده ای را در افغانستان نبینند!

این که گروه های ضد انقلابی افغانستان مدت ها خود را زیر شعارهای باصلاح اسلامی پنهان می کردند و می کنند، باعث شد که در مسلمانان انقلابی ایران برای مدت زیادی سردرگمی ایجاد شود. ولی همان طور که ما بارها گفتیم حقیقت، هر چند آهسته، بالاخره راه خود را پیدا خواهد کرد و ماهم اکنون شاهد تجدید ارزیابی های غلط گذشته در بعد محسوسی هستیم.

در این مورد جالب است که یکی از مجلات آمریکایی نوشته است، که اردوگاه های ضد انقلابیون افغانستان در پاکستان به یکی از بزرگ ترین منابع هروئین بدل شده است و این هروئین مثل سیل از راه ایران به اروپا و آمریکا و دیگر نقاط جهان سرازیر می گردد. به رفاقا توصیه می کنیم که برای توضیحات بیشتر درباره مسئله افغانستان به سرمقاله شماره آینده «دنیا» رجوع کنند.

پرسش: در شرایط حاضر، آیا امپریالیسم ترجیح می دهد که از لیبرال ها به عنوان جاده صاف کن فاشیسم استفاده کند، یا این که به قول ریگان فقط خواهان روی کار آمدن حکومت «میانرو» ها است؟

پاسخ: به نظر ما خواست اصلی امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، روی کار آوردن حکومتی از نوع محمدرضا پهلوی است. توطئه کودتایی نوزه هم همین منظور را داشت. قرار بود حکومت اویسی ها را برقرار کنند. حالا این که این حکومت یا «رضانیم پهلوی» می بود یا بدون او، این مسئله اساسی نبود. این آرزو هنوز خواست حداکثر آمریکاست. اما البته در شرایط مین تاریخی - اجتماعی، میان خواست و واقعیت خیلی فاصله می تواند وجود داشته باشد.

بدین ترتیب، ممکن است که امپریالیسم برای مدتی موقت به حکومتی جاده صاف کن و لیبرالی تن در دهد. نمونه این را در ترکیه دیدیم. در آنجا مدتی با دمکراسی بورژوازی بازی کردند. بعد دیدند که بحران پیوسته عمیق تر می شود و از ترس این که جریان از دستشان در برود به اجویب و دیگر سیاستمداران لیبرال گفتند «فعلا بروید آب خنک بخورید!» و نظامیان قدرت را به طور مستقیم به دست گرفتند.

این جریان ممکنست در یونان و اسپانیا هم تکرار شود. یعنی در کشورهای، که دمکراسی بورژوازی هنوز نتوانسته است توده های مردم را به اندازه کافی مسموم بکند، که به طور اتوماتیک و داوطلبانه به بورژوازی رای بدهند، هیچ وقت راه حل نهایی وجود ندارد و بورژوازی هر آن ممکن است برای اعمال حاکمیت خود به خشونت بارترین شیوه ها متوسل شود.

در شرایط کنونی ایران، امپریالیسم آمریکا به موازات هم دونقشه را می خواهد اجرا کند: به روی کار آوردن حکومتی از قماش اویسی ها و سپردن قدرت به لیبرال ها. البته تلاش بیشتر در راه اجرای نقشه اول به کار می رود، چون به صورت مطمئن تر و پایدارتری می تواند منافع از دست رفته را بازگرداند. ولی ناموقتی که شرایط برای اجرای موفقیت آمیز این نقشه آماده نیست، هم آن ها مصروف روی کار آوردن لیبرال ها خواهد شد. لیبرال هایی که تنها جاده صاف کن ضد انقلاب عریان هستند.

پرسش: چرا شما رهبری جبهه متحد خلق را به امام خمینی یا اصولا به خرده بورژوازی می خواهید بدهید؟

پاسخ: به نظر من اینجا سوء تفاهمی در میان است. رهبری دست ما نیست که آن را به کسی یا نیرویی هدیه کنیم. مسئله بر سر این است که به عقیده ما در شرایط کنونی تشکیل جبهه متحد خلق ممکن و ضرور است. این جبهه باید همه نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی - کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی، پیشه وران و روشنفکران زحمتکش و غیره - را دربرگیرد. از نظر سیاسی، این جبهه طیف وسیعی خواهد بود که در یک طرف آن مسلمانان انقلابی پیرو خط امام و در طرف دیگر پیروان راه سوسیالیسم علمی (مشمول بر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق (اکثریت)) قرار خواهند گرفت.

به نظرم چنین جبهه ای می تواند امروزه و در شرایط مشخص کنونی تنها زیر رهبری امام خمینی، که دارای اعتبار و شخصیت ویژه ای در میان اکثریت قاطع مردم ماست، بوجود آید.

رهبری جبهه متحد خلق چیزی نیست، که از خارج بتوان بر آن تحمیل کرد. این ترکیب خاص خود این جبهه است که خود محصول شرایط مشخص اجتماعی - سیاسی روز است و ماهیت رهبری خویش را تعیین می کند.

خونتای نظامی آرژانتین مودی جدید را بروی صحنه می فرستد

"خونتا" نظامی آرژانتین مرد جدیدی را بر روی صحنه آورده است: ژنرال ادواردو ویولا. وی در آغاز سال ۱۳۶۰ ریاست جمهوری آرژانتین را بعهده گرفت. کابینه ویولا شش نظامی و هفت غیر نظامی را در بر میگیرد. آیا، بدینسان، فصلی نوین در سادات پنج ساله نظامیان در آرژانتین آغاز میشود؟ آیا سیاست ضد کارگری دولت آرژانتین ادامه خواهد یافت؟

آتوس فاوا، دبیر کل حزب کمونیست آرژانتین، در پاسخ به این پرسش ها، در جلسه اخیر کمیته مرکزی این حزب اظهار داشت:

"پاسخ به این سئوالات آسان نیست. توده مردم خواهان دگرگونی هستند، اما آنها که اهرم قدرت را بدست دارند و نظامیان می کوشند تا از چنین دگرگونی جلوگیری کنند و یا لااقل آن را محدود نگه دارند."

چنانکه بخواهیم درباره ویولا، برپایه موضع گیری هایش در زمان ویولا، (سلف او)، به قضاوت بنشینیم، باید بگوئیم که ویولا به آن جناح از نظامیان تعلق ندارد که به نام نظامیان ناسیونالیست و بینواییست معروف هستند. ویولا نماینده نظامیانی است که علاقمندی محدود به «کشایشی دمکراتیک» نشان داده اند. ویولا تنها در گفتار، مدعی چنین علاقمندی بود. وی از یکسو، به سرکوب ابتدائی ترین آزادیهای دمکراتیک دست می یازد و از سبب اقتصاد ضد کارگری پیروی میکند و، از سوی دیگر، دائم از گفتگو با نیروهای دمکراتیک سخن می گفت. جالب اینجاست که نظامیان آمریکا دوست آرژانتین از پیروی از تحریم غله به اتحاد شوروی، که به ابتکار دولت کارتر اعمال شد، سرباز زدند، نه چندان به خاطر انگیزه های سیاسی، بلکه در درجه نخست بعلت مصالح اقتصادی و فشار دهقانان آرژانتین.

امکان و محدودیت «کشایشی دمکراتیک»

اینکه ادعای «کشایشی دمکراتیک» از سوی ویولا تاجه حد تحقق خواهد یافت، به موجب ارزیابی حزب کمونیست نقیه در صفحه ۶



کارگران اطو کش جوراب تبریز:

اتحاد ویگانگی تنها عامل پیروزی بر امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام است

از زبان کارگران

تا امپریالیسم آمریکا هست، جنگ و توطئه هم هست



اگر طرح جیره بندی در کار نبود، حسرت فندور و غم هم برد ما می ماند!

در تبریز بیش از پنجاه کارگاه اطو کشی جوراب وجود دارد که در هر یک از آنها، به تفاوت، از سه تا ده نفر کارگر کار می کنند. کار این کارگران اطو کردن جوراب های بافته شده است و از این جهت کارگاه ها بیشتر در جوار جوار بافی ها قرار دارند. در این کارگاه ها جوراب را با ابتدایی ترین وسایل اطو می کنند و پس از بسته بندی به بازار عرضه می کنند. کارگانی که در این رشته کاری - کنند، از کمترین امکانات رفاهی برخوردار نیستند. محل کار آنها بیشتر در پاساژها و تیمچه های قدیمی است. آنها از کوچکترین امکانات بهداشتی بی بهره هستند.

برای آشنایی بیشتر با کار و زندگی این کارگران با چند تن از آنان به گفتگو نشستیم. جعفر یکی از کارگران گفت:

"ما در این کارگاه جوراب های بافته شده را اطو می کنیم. اگر بافتند ما جوراب برای اطو کردن در اختیار ما بگذارند، ما کار خواهیم داشت، در غیر این صورت بیکاری مانیم. مثلا در فصل تابستان با کمبود کار مواجه هستیم. رضا، یکی دیگر از کارگران، گفت: "از وقتی که ما شین های خودکار بافندگی وارد بازار شده، کار ما از رونق افتاده است."

وی که سالهای مدیدی در این رشته سابقه کار دارد، ضمن تاکید بر لزوم شکل صغی کارگران گفت:

"در سال های ۲۴-۲۵ دارای سندیکا بودیم، ولی رژیم منحوس پهلوی بعد از به خاک و خون کشیدن جنبش دمکراتیک آذربایجان و شکست حکومت ملی آن، بیشتر سندیکاهای کارگری، از جمله سندیکای ما را منحل کرد. مزدوران رژیم حتی به جرم عضویت در سندیکادر بینی های ما آب نمک ریختند. ما تا بحال چند بار برای تشکیل سندیکا اقدام کرده ایم، ولی تا کنون موفق به ایجاد آن نشده ایم. اگر دولت به ما کمک کند، ضمن تشکیل سندیکا، میتوانیم به کار خود توسعه دهیم و به امر خودکفایی نایل شویم. سندیکا وسیله ای است که می توانیم به وسیله آن وحدت خویش را حفظ کنیم و انقلاب را به پیش ببریم."

جعفر در ارتباط با مسئله خود - کفایی گفت:

"امروزه جوراب های مرغوبی در آذربایجان بافته میشود. مشکلی که این صنف با آن روبروست، کمبود برخی از وسایل اولیه مانند سوزن است. اگر صنعتگران ایرانی بتوانند به تولید آن بپردازند، یکی از مشکلات ما برطرف خواهد شد. خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب، جهاد سازندگی اقدام به تولید ماشین جوراب بافی کرده است و این خود کمک بزرگی است برای خودکفایی بودن. برای رسیدن به خودکفایی، به نظر من می توان از کشورهایی که قصد استعمار ما را ندارند، استفاده کرد."

جعفر در ارتباط با مسئله خود - کفایی گفت:

"امروزه جوراب های مرغوبی در آذربایجان بافته میشود. مشکلی که این صنف با آن روبروست، کمبود برخی از وسایل اولیه مانند سوزن است. اگر صنعتگران ایرانی بتوانند به تولید آن بپردازند، یکی از مشکلات ما برطرف خواهد شد. خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب، جهاد سازندگی اقدام به تولید ماشین جوراب بافی کرده است و این خود کمک بزرگی است برای خودکفایی بودن. برای رسیدن به خودکفایی، به نظر من می توان از کشورهایی که قصد استعمار ما را ندارند، استفاده کرد."

کارگران و مسئله جنگ

جعفر در ادامه سخنانش ضمن اشاره به تجاوز رژیم صدام گفت: "این جنگ صد درصد توسط آمریکا جهان خوار به ماتمیل شده"

است. صدام نیز از کمک دولت های مرتجع چون عربستان، پاکستان، مصر، اسرائیل، سودان، مراکش و غیره برخوردار است. صدام تصمیم داشت با حمایت آمریکا و کمک دولت های مرتجع "ایران آزاد" تشکیل دهد. وظیفه ما کارگران این است که در این جنگ به خاطر حفظ انقلاب و حفظ دستاوردهای آن شرکت کنیم. اتحاد و یگانگی تنها عامل پیروزی بر امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار عراق است."

او همچنین گفت: "آنچه مسلم است، ما باید در این شرایط، علاوه بر شرکت در جبهه های جنگ به شایعات ضد انقلاب گوس"

آمریکا محو نشود، مردم جهان آسوده نخواهند بود، آمریکایی خواهد بین ما تفرقه بیندازد، تا از این طریق به هدف های سوء خود نائل شود. تنها اتحاد مردم است که می تواند به عنوان مشت محکمی بر دهان آمریکا باشد. اگر اتحاد باشد، همه چیز درست می شود."

بهم می پندید کردن کالاهای ضروری و ملی کردن بازرگانی خارجی

جعفر در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی گفت:

رژیم منحوس پهلوی با بخون کشیدن جنبش دمکراتیک آذربایجان در سال ۲۵ سندیکاهای ما را منحل کرد و کارگران را بجرم عضویت در سندیکا شکنجه کرد.

ندیمیم. باید همواره هشیار باشیم، تا بتوانیم توطئه ها را خنثی کنیم. همه باید متحدا دست به دست هم بدهیم، تا انقلاب را به پیش ببریم. تاکید می کنم روی این مسئله که، باید همه متحد باشیم تا موفق شویم."

نصرت، یکی دیگر از کارگران، که سی و پنج سال در این رشته سابقه کار دارد، گفت:

"من حاضر حتی جان خود را فدای انقلاب کنم. حاضر به جبهه بروم. ما برای بیرون راندن صدام و آمریکا باید تا آخر مبارزه را ادامه دهیم. باید با تمام توان، تا آخرین قطره خون مبارزه کنیم. همانطور که امام خمینی گفتند: "آمریکای هیچ غلطی نمی تواند بکند."

اگر، کارگر دیگری که روزها کار می کند و شبها درس می خواند، درباره جنگ گفت:

"من با اینکه از خدمت سربازی معاف هستم، ولی به خاطر دفاع از انقلاب و میهن حاضر هر موقع که بخواهند به جبهه بروم. این جنگی است که آمریکا به ما تحمیل کرده است."

اصغر، که کارگر سنی است، گفت: "تا امپریالیسم آمریکا هست، توطئه هم هست. آمریکا هر روز یک توطئه جدید برای شکست انقلاب ما می چیند و این جنگ هم توطئه است. تا امپریالیسم"

"اصل ۴۴ قانون اساسی باید هر چه زودتر به مرحله عمل درآید. تا خیر در اجرای ملی شدن بازرگانی خارجی به دیگر این کردن کلفت ها سود سرشار نخواهند برد. دولت باید با مسئله گران فروش قاطعانه برخورد کند. این خطری است جدی، که انقلاب را تهدید می کند."

نصرت در این مورد گفت:

"من از مسئولان امر می خواهم که هر چه زودتر جلوی گرانی را بگیرند، چون در آمد ما خیلی کم است و گرانی ما را بکلی فلج کرده است. نگاه کنید، تمام دندان های ما افتاده است، ولی پول ندارم که دندان بگذارم. دولت باید به خاطر ما کم در آمد ها هم شده، شرکت تعاونی باز کند."

وضع بیمه و بهداشت

هیچیک از کارگران بیمه نیستند و گذشته از آن از محیط کار مناسبی نیز برخوردار نیستند. جعفر در این مورد گفت:

"سابقا اینجا کاروانسرا بود. در زمان طاغوت طی یک سری زد و بند با شهرداری، اینجا را بصورت پاساژ در آوردند. روی این اصل به هیچ وجه موفقیت بهداشتی اینجا را در نظر نگرفته اند. حتی در اینجا دست شویی و توالت هم موجود نیست."

وی در مورد بیمه گفت:

"دولت باید تمام کارگران کارگاه های کوچک را زیر پوشش بیمه در آورد و نیز کارگاه های کوچک را به صورت مجتمع درآورد."

هم درس و هم کار

اکبر جوانی است که ضمن کار در این کارگاه، درس هم می خواند. او در این مورد گفت:

"هر چند این کار مشکل است. ولی لازم است. اسام کتاب ها به علت عوض شدن دیر بدست ما رسید، در نتیجه هم به ما فشار وارد شد و هم به معلممان. متاسفانه برخی از معلمان مبارز و خوب ما را پاک سازی کرده اند و من امیدوارم که اینها هر چه زودتر سر کار برگردانده شوند و فقط وابستگان به رژیم گذشته پاک سازی شوند."

وی در پایان اظهار داشت:

"عده ای به پیروی از دستور برزیل سکی می خواهند مسیر انقلاب ما را منحرف کنند. ما وظیفه داریم که در مقابل آنها در تقویت خط امام بکوشیم برای پیروزی انقلاب، همه باید علیه ضد انقلابیون، از مائوئیست ها گرفته تا بختیار و پالیزیان و اویسی متحد باشیم. بر همه واجب است که برای تعمیق انقلاب بکوشیم، تا انقلاب به هدف اصلی خود، یعنی رسیدن به حقوق واقعی زحمتکشان برسد."

مسئولان امر باید کارخانه نئون پلاستیک سازی را خود احیاء کنند!

از چندین ماه پیش، مزایای کارگران شرکت تا بلونتون پلاستیک سازی از سوی کارفرما پرداخت نمی شد. کارفرما هر بار که در مقابل خواست های قانونی کارگران قرار می گرفت، از آنها می خواست که به او مهلت دهند. او یکبار مهلت سه ماهه خواست، ولی نته تنها بعد از سه ماه، بلکه پس از گذشت شش ماه بازم از پرداخت مزایای قانونی کارگران طفره رفت. کارگران، که تحصن و اعتصاب را در شرایط کنونی درست نمی دانند، تصمیم گرفتند از طریق قانونی و با شکایت به وزارت کار به خواست های خود حاشه عمل بپوشانند.

روز پانزده فروردین ۶۰ کارفرما به کارگران اظهار داشت که از این پس شرکت تعطیل است. او دلیل اتخاذ چنین تصمیمی را اینگونه توجیه کرد که چون تا بلوسازی مثل گذشته رونق ندارد، بنا بر این چاره ای جز تعطیل شرکت وجود ندارد.

یکی از کارگران به کارفرما گفت:

"چطور تا پیش از عید کار بود، ولی حالا یک دفعه کارها تمام شده است؟"

کارگر دیگری بنام پیدالله گفت: "۹ سال است اینجا کار می کنم. طی این مدت کارفرما از سود های کلانی برخوردار شده است. حتی اوسالی دویار به خارج از کشور سفر می کرد. حال او در مقابل خواست های برحق ما به بیانه متوسل شده است."

صاحب شرکت در پاسخ روبرو به کارگران کرده و گفت:

"اگر کار هست خودتان شرکت را بگردانید، بشرط آنکه مخارج من و شرکت را تمام کسانی را که در ارتباط با من کار می کنند، بپردازید."

کارگران این گفته کارفرما را حیل - ای برای از میدان بدر بردن خود می دانستند، زیرا اوبخوبی می دانست که اولاً: کارگران در مورد نحوه و کیفیت گرفتن کار باکسی تماس ندارند. ثانیاً: برای خرید نئون پلاستیک و مواد اولیه دیگر نیاز به سرمایه اولیه هست، که آنها فاقد آن هستند. ثالثاً: مخارج صاحب شرکت و کسانی که در ارتباط با او کار می کنند، چند برابر مخارج شرکت و حقوق کارگران است. بنا بر این کارگران پیشنهاد کارفرما را نپذیرفتند.

کارفرما پس به کارگران اظهار داشت که روز ۶۰/۱/۲۴ مزایای آنها را پرداخت خواهد کرد. در آن روز همه کارگران به شرکت مراجعه کردند و طی گفتگو با کارفرما به توافق رسیدند که پس از دریافت مزایا کارخانه تعطیل شود. ناگفته نماند که عده ای از کارگران حاضر به تعطیل شرکت نبودند، ولی چون اکثریت کارگران با کارفرما به توافق رسیده بودند، دیگران اجبارا به پذیرش آن تن در دادند.

پس از آن، کارفرما چک هایی به مبلغ ۴۵۰ و ۳۵۰ و ۳۰۰ هزار ریالی، نسبت به سابقه کارکرد کارگران، به آنان پرداخت و مسئله به این صورت خاتمه یافت.

مسئولان امر باید همزمان با بالا رفتن زرمه تعطیل شرکت از طرف کارفرما اداره امور شرکت را خود به عهده می گرفتند، تا در این شرایط حساس از پیوستن عده ای دیگر به خیل بیکاران جلوگیری به عمل می آوردند. برای اتخاذ چنین تصمیمی هنوز دیر نیست.

کارگران مبارز ایران!

در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر

با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!



جشن اول ماه مه روی عرشه یدک کس فرمند بندر ماه - شهر. در این جشن کارگران خدمت یدک کس ها شرکت داشتند.

احداث «روستاها و شهرهای استراتژیک» - وسیله‌ای برای سرکوب خلق السالوادور

عرض ۱۸ ماه "شرکت کند. احداث ۱۵ هزار روستای استراتژیک هسته‌اصلی این برنامه‌ها تشکیل میداد. برپایه این برنامه، می‌بایست همه دهقانانی که در مناطق زیر کنترل پارتیزان‌ها زندگی میکردند، در این روستاها تمرکز یابند و تحت نظارت سیاسی و نظامی آمریکایی‌ها و مزدوران سایکون نشین آنها قرار گیرند.

در آن هنگام، بیش از ۸۰ درصد مردم ویتنام جنوبی در روستاها زندگی میکردند و اکثریت عظیم آنها خویششان را در نبرد آزادیبخش ملی سپیم می‌دانستند و به پارتیزان‌ها کمک می‌رساندند. البته تدوین کنندگان و مجریان برنامه‌ها مرده میدانستند که دهقانان ویتنامی حاضر نیستند داوطلبانه رهسپار این اردوگاه‌ها شوند از اینرو، دستور میدادند که دهکده‌ها را یکباره محاصره کنند، ساکنان را در گوشه‌های گرد آورند، کلبه‌های آنها را آتش‌بزدند و کشتزارهایشان را ویران سازند. هر کس که به مقاومت می‌پرداخت، بیدرتنگ به هلاکت میرسید. آنگاه دهقانان به محلی برده میشدند، که قرار بود روستاهای استراتژیک " در آنجا احداث گردد. در این محل، آنها را مجبور میکردند که نخست به حفر خندق و کشیدن سیم خاردار و سپس به ساختن کلبه‌های محقر بپردازند. ورود به اردوگاه و خروج از آن تحت کنترل دقیق قرار میگرفت و هر کس پس از ساعت ۷ بعد از ظهر بیرون از روستای استراتژیک دیده میشد، بلافاصله به ضرب تیر از پای در می‌آمد.

چنین مقرراتی امروزه در السالوادور نیز حکم فرما شده است و تنها دهات هم نیستند که مشمول آن میگرددند. در سان سالوادور، پایتخت السالوادور، هر کس که پس از ساعت ۷ بعد از ظهر پای از خانه خود بیرون بگذارد، بی‌درنگ هدف تیرمباران سربازان "خونتا" قرار می‌گیرد. بدینسان، هر شب ده‌ها تن السالوادوری بیگناه نیز، که به هیچ روی در نبرد مسلحانه شرکت ندارند، به قتل میرسند. از سوی دیگر، منع عبور و مرور آزادی تیراندازی شبانه، به دزخیمان "خونتا" امکان میدهد که در پناه خاموشی به خانه‌های مردم هجوم برند و به فجیعانه‌ترین جنایات مبادرت ورزند. جسدهای بی‌شماری که هر روز صبح در گوشه و کنار خیابان دیده میشود ظاهر آکسانی بوده‌اند که مقررات منع عبور و مرور شبانه را رعایت نکرده‌اند! بدین ترتیب، در السالوادور "مشاوران آمریکایی" "خونتا" پیش از تکمیل برنامه "احداث روستاهای استراتژیک"، به ساختن "شهرهای استراتژیک" نیز پرداخته‌اند!

اهترازهای ایالات متحده آمریکا بار دیگر یکی از نقشه‌های کهن "پنتاگون" را، که نخستین بار در جنگ تجاوزکارانه علیه ویتنام بکار برده شد اینبار در السالوادور جامه عمل می‌پوشانند. "مشاوران" "خونتا"، که بر خلق این کشور کوچک آمریکای مرکزی ستم ددمشانه میراند و هر روز دهکده‌ها را می‌سازند ایجاد باصطلاح "روستاها استراتژیک" را آغاز کرده‌اند. هدف آنها آنست که با تمرکز سکند در مناطق ویژه، مردم السالوادور را از کمکرسانی به چریک‌های انقلابی بازدارند. طبق "مدل ویتنام"، آنگاه نواحی "پاک" سازی شده "بعنوان" مناطق تیراندازی آزاد اعلام خواهد شد و هر آنچه که بجنبند، هدف تیر قرار خواهد گرفت. چنانکه میدانیم، هواپیماهای آمریکایی، در ویتنام جنوبی، مناطق وسیعی را، بدینسان، با بمب و ناپالم با خاک یکسان کردند. برخی از جنگل‌ها و شالیزارها چنان آلوده شدند، که حتی امروزه نیز قابل استفاده نیستند و به تندرستی ویتنامی‌ها آسیب میرسانند.

اینگونه ناپالم‌ها و مواد سمی اکنون در نبردهای درخیمان السالوادور با پارتیزان‌های "جبهه آزادیبخش ملی فارابون دوماورتی" نیز بکار برده می‌شود. "مشاوران آمریکایی" "خونتا" نزدیک شهر سوچی توتو تعدادی "روستای استراتژیک" احداث کرده‌اند، که در آن بیش از ۲۰۰۰ کودک ترمکز یافته‌اند. این روش‌های ددمشانه سبب شده‌است که تاکنون بیش از ۳۰۰ هزار نفر السالوادوری به کشورهای همسایه، بویژه هندوراس، بگریزند. مبتکران "روستاها استراتژیک" نیروهای استعمارگر بریتانیا بودند، که نخستین بار در جنگ سرکوبگرانه خود علیه مردم مالایا (۱۳۴۷-۱۳۲۵) کوشیدند تا، با دست‌پازی به این تاکتیک مردم را از مبارزان ضد استعمار دورنگد دارند. اما این تلاش‌ها نهای ثمر ماند و بریتانیا، پس از جنگی سبعانه، سرانجام مجبور شد که در برابر خواست مردم مالایا تسلیم گردد و استقلال این کشور را رسمیت شناسد. علیرغم این تجربه ناموفق، اویچین استیلی، یکی از استادان دانشگاه استنفورد (آمریکا) در سال ۱۳۴۰ بار دیگر به یاد اندیشه "روستاها استراتژیک" افتاد. استیلی به موفقیت این اندیشه ایمان و اعتقاد کامل داشت و معتقد بود که علت شکست این تجربه در مالایا، تنها تدارک ناکافی و اجرای ناشیانه آن از سوی بریتانیایی‌ها بود. استاد دانشگاه استنفورد "از طرف "پنتاگون" ماموریت یافت که در تدوین برنامه آزادی جنوب ویتنام در

درباره یک سفسطه در منطق راجع به «جزء» و «کل» و «کل» و «کل» و نتایج اسلوبی این سفسطه

کل را منکرند، به این بهانه که این قوانین را در اجزاء نمی‌بینند. کل یک جمع مرتبط است، یعنی اجزاء و عناصر ترکیب‌کننده یک توده بی‌شکل را بوجود نمی‌آورند، بلکه یک مجموعه، یک منظومه، یک سیستم، یک دستگاه بهم مربوط را، که دارای عملکرد ویژه‌ایست، بوجود می‌آورند.

این درختان دارای یک سلسله‌وجه مشترک در رده بندی وجودند، یعنی: ۱- گیاهند (نه حیوان یا جماد). ۲- از لحاظ مختصات فردی، که ذکر کردیم، بهم شبیهند. اگر کل (مجموعه اجزاء) و کلی (انتزاع نوعی) را از منطق بشری حذف کنیم، که تفکر انسانی محال می‌شود و

کل تنها مجموعه‌ای عددی از اجزاء و عناصر مرکب‌کننده آن نیست، بلکه خود آن دارای مختصات ویژه‌ایست. کل غیر از کلی است، کلی یعنی مفهوم انتزاعی از اشیا و پدیده‌های همانند.

سفسطه دیگر در باره کلی است. برخی‌ها می‌گویند: کلی وجود ندارد. می‌گویند: انسان کلی کجاست، بما نشان بدهید! درخت کلی کجاست، بما نشان بدهید! ماقط از درخت‌ها و انسان‌های مشخص خبر داریم. کلی یک امر موهومی است. ابتدا باید گفت که کل و جزء با کلی (عام) یا مجرد و جزئی (خاص) یا مشخص تفاوت دارد. منظور ما از کل جمع بهم پیوسته اجزاء است. اما مقصود ما از کلی مفهوم انتزاعی در ذهن ما از یک رشته اجزاء مشخص همونوع است، که از آن مفهوم (یاوازه) بوجود می‌آید. در واقع درخت در خارج از ذهن ما وجود ندارد. آنچه وجود دارد این درخت است. ولی ما می‌آئیم و با توجه به جهات مشترک همه درختان (ریشه، ساقه، شاخه، برگ، میوه، گل و غیره) مفهوم کلی "درخت" را بوجود می‌آوریم. مفهوم کلی درخت، هم درخت سبب، هم نارون، هم افرا، هم درخت بادام، هم درخت بائوباب، هم سوزنبرگ و هم پهن‌برگ و غیره و غیره را در برمی‌گیرد، زیرا همه

سفسطه دیگر در باره کلی است. برخی‌ها می‌گویند: کلی وجود ندارد. می‌گویند: انسان کلی کجاست، بما نشان بدهید! درخت کلی کجاست، بما نشان بدهید! ماقط از درخت‌ها و انسان‌های مشخص خبر داریم. کلی یک امر موهومی است. ابتدا باید گفت که کل و جزء با کلی (عام) یا مجرد و جزئی (خاص) یا مشخص تفاوت دارد. منظور ما از کل جمع بهم پیوسته اجزاء است. اما مقصود ما از کلی مفهوم انتزاعی در ذهن ما از یک رشته اجزاء مشخص همونوع است، که از آن مفهوم (یاوازه) بوجود می‌آید. در واقع درخت در خارج از ذهن ما وجود ندارد. آنچه وجود دارد این درخت است. ولی ما می‌آئیم و با توجه به جهات مشترک همه درختان (ریشه، ساقه، شاخه، برگ، میوه، گل و غیره) مفهوم کلی "درخت" را بوجود می‌آوریم. مفهوم کلی درخت، هم درخت سبب، هم نارون، هم افرا، هم درخت بادام، هم درخت بائوباب، هم سوزنبرگ و هم پهن‌برگ و غیره و غیره را در برمی‌گیرد، زیرا همه

درباره بحث‌های نظری، وقتی یک مارکسیست مثلا از اصول دیاکتیکی حرکت و تغییر در واقعیت سخن می‌گوید، طرف بحث گاهی می‌گوید: "شما این اصول تجربیدی و کلی را از کجا آورده‌اید؟ ما آنرا در پدیده‌های مشخص و منفرد، در اجزاء طبیعت یا اجتماع نمی‌بینیم." این سفسطه، یعنی مبدل کردن "کل" به اجزاء ترکیب‌کننده آن کل، و سپس انکار مختصات کلی که ویژه کل است (و در اجزاء نیست) یک روش سفسطاتی قدیمی است. مثلا کسی ممکن است به شما بگوید: برش - مگر دریا از قطرات آب تشکیل نمی‌شود؟ پاسخ سدرست است. دریا از قطرات آب تشکیل می‌شود. برش - پس چطور شما مدعی می‌شوید که در دریا می‌توان کشتی رانی کرد، یا دریا طوفانی می‌شود، یا در دریا نهنگ زندگی می‌کند؟ من هیچ قطره آبی ندیدم که بتوان در آن کشتی رانی کرد یا طوفانی شود یا نهنگ بتواند در آن زندگی کند! روشن است که این سفسطه است، زیرا کل قطرات فقط جمع قطرات نیست و مختصات تازه‌ای کسب می‌کند. مثلا "پدیده‌هایی مانند" انقلاب، "جنگ و صلح"، "بحران اقتصادی"، "مبارزات طبقاتی"، که در کل افراد (اجتماع) روی می‌دهد، در "فرد"، که اجتماع از آنها تشکیل شده‌است، روی نمی‌دهد. یا مثلا در یک آجر نمی‌توان خانه کرد ولی در آجرها (که از آن خانه ساخته می‌شود) می‌توان مسکن گزید و غیره و غیره. مثل آنکه این مطلب بحد کودکانه‌ای ساده‌است. یا اینحال کسانی پیدایی - شوند که قوانین و مختصات کل، یعنی جمع مرتبط اجزاء و عناصر ترکیب‌کننده

خونتای نظامی آرژانتین مردی ...

بقیه از صفحه ۳

آرژانتین بستگی به عوامل گوناگون دارد: (۱) وسعت و عمق جنبش توده‌های و بعد مبارزات آن، (۲) سطح همکاری نیروهای دمکراتیک، (۳) پیوند فراخور میان بخش غیرنظامی و بخش‌های مترقی نظامی. زبانبار است که در پیکار برای دگرگونی‌های دمکراتیک، قطب‌های نظامی و غیرنظامی را در برابر یکدیگر قرار دهیم.

این گفته‌ها، دبیر کل حزب کمونیست آرژانتین، که سال میلادی ۱۹۸۱، به هر حال سالی سیاسی تر و پرتب و تاب‌تر خواهد بود، هم اکنون صحت خود را اثبات کرده‌است. ستیزه‌های اجتماعی و جنبش‌اعتصابی در آرژانتین افزایش یافته‌است. کارگران و احزاب دمکراتیک آرژانتین از سیاست اقتصادی وزیر کمونی اقتصاد این کشور، مارتینیس دهبوس که تنها در راستای منافع انحصارهای خارجی بوده‌است، به انتقاد شدید پرداخته‌اند.

وضع نایسامان کارگران آرژانتین

در سراسر آرژانتین، کارگران علیه افزایش بیکاری، کاهش دستمزد واقعی، بالا رفتن هتکفت هزینه زندگی و سرکوب آزادی‌های سندیکایی به اعتصاب دست زده‌اند. طبقه کارگر آرژانتین خود را برای ستیزه‌های اجتماعی خروشان آماده می‌سازد. برای نمونه کمیته‌ای "پوژو" اعلام

مبارزه در راه «توافق دمکراتیک»

با تغییر دولت در درون "خونتا" آرژانتین و با توجه به این واقعیت که ترکیب نهائی آن، به علت مبارزه جناح‌های مختلف نظامیان بر سر قدرت هنوز معلوم نیست، پییکار نیروهای دمکراتیک برای دستیابی به "توافق دمکراتیک" هر چه بیشتر حدت یافته‌است. منظور یافتن "نخسرخ" است، که از میان همه اقشار اجتماعی، احزاب و سازمان‌های دمکراتیک، کلیسا و نظامیان مترقی بگذرد.

هدف "توافق دمکراتیک" آنست که نخست دولت موقت نظامی - غیر نظامی را بر سر کار آورد و آنگاه احراز قدرت را از سوی دولتی دمکراتیک و برگزیده مردم فراهم سازد.

"گشایش دمکراتیک" سیاست تنها یک جناح "خونتا"ی حاکم است. جناح دیگر، جناح پینوشیست‌ها، هم در آرژانتین بی‌کار نشسته است و کماکان مایل است که هرگونه مقاومت خلق را درهم کوبد. اینجاست که بسیج‌گسترده توده مردم و مبارزه متحد آنها اهمیت حیاتی خود را نشان میدهد.

نباید این توهم را داشت، که ویولا به دگرگون‌سازی‌های بنیادی سیاسی و اقتصادی دست خواهد زد. رئیس‌جمهور جدید، چند روز پیش از احراز سمت خود، به دیدار ریگان شتافت و مسلما از "رهنمود" های او بهره گرفت. از سوی دیگر، ویولا دیگر نخواهد توانست خواست‌های مردم آرژانتین را بکلی نادیده بگیرد.



برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضداپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی:

آیا اقتصاد اسلامی این است که بازار در قبضه عده‌ای سرمایه‌دار باشد که خون مردم را بکشد؟

به وضع بحرانی سیستان و بلوچستان رسیدگی کنید.
 دولت چگونه می‌خواهد مالکیت تعاونی را در جامعه پیاده کند؟
 چرا زمین زمینداران بزرگ به کشاورزان واگذار نمی‌شود؟
 برهان‌الدین ربانی، رهبر یکی از گروه‌های افغانی، که دیوارهای تهران از پوست‌های وی رنگین است، قبل از تشکیل کنفرانس طائف با سادات ملاقات کرد.
 بعد از کنفرانس طائف، آوارگان افغانی از پاکستان به ایران سرازیر شدند.
 لایحه حذف فرمان همایونی تصویب شد.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، یکی از نمایندگان خواستار تعیین حدود مالکیت و حل این مسأله بنفع «کوخ نشینان» شد.

نخستین ناطق پیش از دستور جلسه دیروز، مرتضی اعظمی لرستانی، نماینده خرم‌آباد، ضمن سخنانش خواستار اجرای اصل ۳۷ قانون اساسی (اصل بر برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه ثابت شود)، و اصول ۲۴ و ۲۷ قانون اساسی در مورد آزادی مطبوعات و تشکیل اجتماعات، شد. وی سپس ضمن اشاره به قانون پاکسازی گفت:

«این قانون بمنظور اخراج اشخاص ساراک و ناصالح و کم‌کار ضرورت تصویب پیدا کرده است.»

اعظمی سپس، ضمن ارائه فتوای احکام پاکسازی عده‌ای از کارمندان آموزش و پرورش لرستان، از وزیر آموزش و پرورش خواست که با اقدام انقلابی جلوی پاکسازی نابجای افراد را، که باعث یاس و ناامیدی آنها می‌شود، بگیرد.

دومین ناطق پیش از دستور، عبدالواحد موسوی، نماینده لرستان، درباره سیر توطئه‌های آمریکا سخن گفت. وی ابتدا توطئه‌های مختلف آمریکا، از روی کار آوردن بختیار و «نفوذ عناصر وابسته به آمریکا یا طرفدار آمریکا» در دولت موقت، تا «حمله نظامی طیس، کودتای نوزده و جنگ تحمیلی عراق» را برشمرد و تأکید کرد که «امروز آمریکا تمام همتش اینست که مشروعیت جمهوری اسلامی را مورد تردید قرار دهد»

ناطق سپس ضمن برشماری فعالیت‌های ضدانقلاب، توضیح داد که هدف آمریکا از این اقدامات، بی‌اعتماد کردن مردم به توانایی مسئولین در اداره کشور و جایگزین کردن «عناصری که با خط عملی آمریکاهامتنگ باشند» است.

نماینده لرستان سپس ضمن اشاره به روشن بودن خط حرکت آمریکا، از مسئولین پرسید: «مگر روزنامه‌ها امروز باز هم همان مطالب تشنج‌آفرین را مطرح نمی‌کنند؟ هیات سه نفره حل اختلاف کجا رفته است و چه می‌کند؟ چرا این مسائل را بررسی نمی‌کنند؟ چه شد آن پرونده‌هایی که می‌گفتند دادستانی انقلاب تنظیم کرده است؟ چرا به این مسائل توجه نمی‌شود؟ اگر واقعا راست است که عناصری بدون توجه به قانون و خود کامه عمل می‌کنند، چرا قوه قضائیه مملکت وارد صحنه نمی‌شود و جلوی این بی‌بندوباری‌ها را نمی‌گیرد؟»

وی سپس هشدار داد که آمریکاقصد دارد «مردم ما را از حاکمیت بیندازد» و مجلس را از صحنه خارج کند. ناطق سپس بعضی اختیارات مجلس از جمله حق تحقیق و تفحص در همه امور، رسیدگی به شکایات مربوط به قوای سه‌گانه، حق استیضاح نخست‌وزیر و وزیران و حق احضار رئیس جمهور و «حق رای به عدم کفایت سیاسی وی» را برشمرد. وی همچنین تأکید کرد که تلاشی برای ناراضی کردن مردم از بیرون و درون مرزها و از داخل دستگاه‌های اجرائی است.

ناطق افزود: «این اصولی بنظر می‌رسد که این پنج نفر جلسه مشترکی را ترتیب داده باشند، زیرا ما ناظر بودیم که مدتی پس از این جلسه و کنفرانس طائف، سیل آسا برادران اهل تسنن آواره افغانی از اردوگاه‌های خود در پاکستان به این منطقه سرازیر شدند.»

نماینده زاهدان سپس به «مسافرت‌ها و مذاکرات مشکوک و مخفیانه و علنی برهان‌الدین ربانی به منطقه رفتار موزانه بعضی از این افراد» اشاره کرد. وی آنگاه درباره سفر اخیر مفتی‌زاده به استان سیستان و بلوچستان گفت:

«امروز از ناحیه مستضعفین منطقه‌ایم از فارس و بلوچ و سیستانی، با همه فشاری که از نظر اقتصادی بردوش آنهاست و تنها پشتیبانان و وارثان بحق انقلاب و پیروان راستین خط امام هستند، این سؤال مطرح است که مسافرت اخیر برادران مفتی‌زاده به این استان و مذاکرات خصوصی و سخنرانی‌های نیمه‌عمومی ایشان بخصوص در زاهدان و خاش و ایرانشهر، به چه منظوری بوده است و چه مسائلی مطرح شده که ضد انقلاب میدان فعالیت پیدا کرده و دست به ترور مولوی حسین پر زد و موجب شهادت وی و ۳۲ نفر دیگر از سربازان اسلام گردید.»

نماینده زاهدان افزود: «امروز خون مستضعفین منطقه بجوش آمده و خواستار برخورد اصولی به این مسائل هستند و اگر نه خود اقدام خواهند کرد. علاوه بر این مردم خواهان کنترل دقیق مرزها و تقویت پاسکها و تقویت هرچه بیشتر سپاه و جهاد هستند. مردم خواهان مبارزه جدی با خانها، قاچاق و قاچاقچی، با عوامل ضدانقلاب و تعیین تکلیف وضعیت گروه‌های ضدانقلاب در منطقه، که اکثرا توسط خانها سازماندهی شده‌اند، هستند.»

وی همچنین گفت: «مردم خواهان سازماندهی و حمایت دائمی و مستمر از مستضعفین بخصوص کشاورزان در منطقه هستند، تا روحیه انقلابی آنها، با توجه به شرایطی که پیش آمده، حفظ شود و بتوانند خود در برابر خانها بایستند، زیرا معتقدند که چاقی خانها حاصل غارت دسترنج و مکیدن خونشان است.»

ناطق در پایان از توجهات اخیر دولت به این استان و افزایش بودجه آن به ۳ برابر سال قبل، تشکر کرد.

سپس حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی توضیحاتی درباره لایحه حذف فرمان‌های یونی داد. وی تأکید کرد که در مشورتی که توسط نخست‌وزیر و دوتن از اعضای شورای نگهبان، با امام خمینی در این مورد صورت گرفته است، ایشان تکلیفی تعیین نکرده‌اند. رئیس مجلس از امام خمینی نقل قول کرد که: «هر چیزی را که مجلس با امضای شورای نگهبان تصویب کند، هیچ وجه کسی حق ندارد در آن خدشه وارد کند.»

پس از آن مجلس وارد دستور شد و پیشنهادهای نمایندگان درباره لایحه «حذف فرمان‌های یونی» بررسی شد. پس از بررسی پیشنهادهای، درباره کل لایحه رای گیری بعمل آمد و با ۱۲۷ رای موافق، از مجموع ۱۸۲ رای، به تصویب رسید. آنگاه اعلام تنفس شد.

پس از پایان تنفس، درباره تفویض اختیار تصویب لایحه «اخذ هزینه صدور پروانه دریانوردی» به «کمیسیون امور اقتصادی و دارائی» برای مدت ۲ سال، بحث شد و به تصویب رسید.

همچنین لایحه مربوط به «ترازیت کالا از گشتی به گمرکات داخل کشور...» برای اخذ تصمیم به کمیسیون مربوطه ارجاع شد.

جلسه امروز در جلسه علنی...

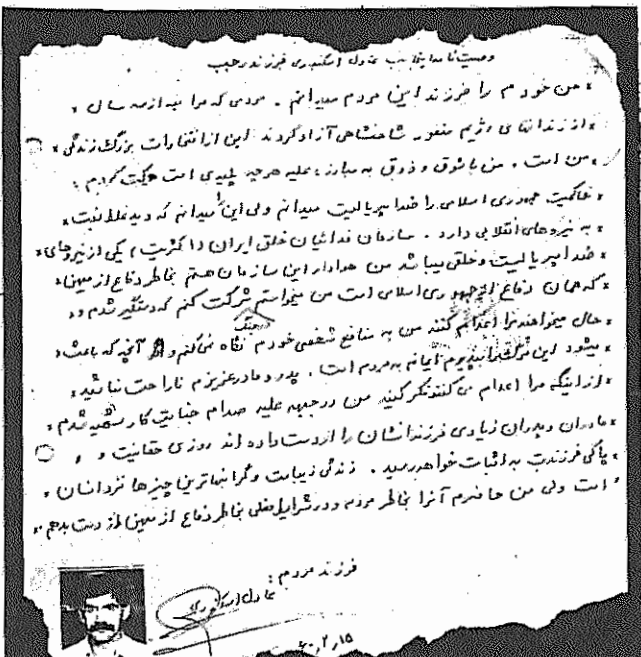
مردم ما از دادگاه‌های انقلاب...

بقیه از صفحه ۱

(اکثریت) یکی از نیروهای انقلابی راستین. میهن ما است. خط مشی عمومی این سازمان مبتنی بر مبارزه با امپریالیسم، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا، دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی از نیروهای انقلابی و پیشرو حاکمیت کتونی کشور است. دادگاه‌های انقلاب نه تنها نباید جان هیچک از اعضای زندانی این سازمان را در معرض خطر صدور و اجرای احکام ظالمانه قرار دهند، بلکه بر اساس پیام اخیر امام خمینی، باید هر چه زودتر موجبات آزادی اعضای این سازمان را فراهم سازند و خانواده‌های آنان را از اضطراب و نگرانی رهایی بخشند.

ما ضمن تسلیم صمیمانه به خانواده عادل اسکندری و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نمیتوانیم از بیان این نکته خودداری کنیم که شکست‌ناپذیری انقلابی در راه نیل به اتحاد همه نیروهای انقلابی راستین و همچنین دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پیشکار بخاطر تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب ضرورتی حیاتی است. نباید گذاشت که امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی از اشتباهات، قسری‌گریها، انحصارطلبی‌ها و هر عمل ناروایی که بهر علت، از سوی پاره‌ای از نیروهای حاکمیت سر می‌زند، در جهت نفاق افکنی و اعمال توطئه‌های چنایکتارانه براندازی جمهوری اسلامی ایران و از میان بردن دستاوردهای انقلاب بهره‌گیری کنند. این آرزو را امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی باید بکوبد.

متن کامل وصیت‌نامه عادل اسکندری عضو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که بر اثر حکم ظالمانه دادگاه انقلاب اهواز اعدام شده است



وصیت‌نامه اینجانب عادل اسکندری فرزند رجب من خود را فرزند این مردم میدانم. مردمی که مرا بعد از سه سال از زندانهای رژیم منغورشاهاشاهی آزاد کردند. این از افتخارات بزرگ زندگی من است. من با شوق و ذوق به مبارزه علیه هر چه پلیدی است حرکت کردم. حاکمیت جمهوری اسلامی را ضد امپریالیست میدانم ولی این را میدانم که دید غلط نسبت به نیروهای انقلابی دارد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) یکه از نیروهای ضد امپریالیست و خلقی می‌باشد. من هوادار این سازمان هستم. بخاطر دفاع از میهن که همان دفاع از جمهوری اسلامی است من میخواستم در جنگ شرکت کنم که دستگیر شدم و حال میخواهند مرا اعدام کنند. من به منافع شخصی خود نگاه نمی‌کنم و آنچه که باعث میشود این مرگ را بپذیرم ایمانم به مردم است. پدر و مادرم عزیزم، ناراحت نباشید از اینکه مرا اعدام می‌کنند. فکر کنید من در جبهه علیه صدام جنایتکار شهید شدم. مادران و پسران زیادی فرزندانشان را از دست داده‌اند. روزی حقیقت و پاکی فرزندت به اثبات خواهد رسید. زندگی زیباست و گرانبهارترین چیزها نزد انسان است ولی من حاضر آن را بخاطر مردم و در شرایط فعلی بخاطر دفاع از میهن از دست بدهم.

عادل اسکندری فرزند رجب

نمایشگاه دلاوری خلق و جنایات تجاوزگران صدامی



یکی از تکان‌دهنده‌ترین عکس‌های نمایشگاه: تجاوزگران صدامی در یک حمله چنایات‌کارانه زن و سرده، کودک و پیر را قتل‌عام کرده‌اند. این عکس را کاوه گلستان، یکی از عکاسان شرکت‌کننده در نمایشگاه، گرفته است.

کارگران نساجی‌های اصفهان گردان رزمنده طبقه کارگر ایران

می‌آمد. از این نظر، افق این سالها از طرفان‌های سهمگین آینده سرخ بود و طبقه کارگر ایران، بمعنای واقعی کلمه، مرغ طوفان و مژده‌رسان مبارزه بود.

کارگران بافندگی‌های اصفهان، که سنن درخشان مبارزاتی آن‌ها همه‌جا زیان‌زد بود، پرچم این رزم ضدطاغوتی را بر دوش داشتند. آنان در سال ۱۳۳۷ در اوج خفقان ساواک‌شاه ملعون، در اثر تأخیر در پرداخت دستمزد، چیره نان و نرساندن مواد خام، که باعث تعطیلی واحدها می‌شد، بکرات به سلاح اعتصاب روی آوردند. در بهار سال بعد این اعتصابها همچنان موج از پس موج زو به گسترش بود، بطوری‌که تنها در خرداد ماه سال ۱۳۳۸، یکبزار و پانصدتن از کارگران نساجی «وطن» اصفهان اعلام اعتصاب کردند.

سال بعد کارگران «شهنشاه» اصفهان با طرح خواسته‌های بنیادی، نظیر اجرای قانون کار و شناسایی حقوق صنفی - سندیکائی کارگران از سوی رژیم شاه ملعون، دست به اعتصاب زدند. دامنه جنبش چنان گسترده بود که مقامات شهری، استانداری و اداره کار، زیر نظر ساواک و البته بنام هیئت‌مدیره کارخانه‌ها، تعداد زیادی از کارگران را اخراج و هدف‌تن از آنان را از شهرستان اصفهان تبعید کردند. گذشته از آن، خشونت و شکنجه در انتظار بسیاری از کارگران بود و این همه با هدف سرکوبی تاب و توان انقلابی کارگرانی، که یکدم از تعرض علیه رژیم ساواکی دست بردار نبودند.

در سالهای چهل، امواج پی‌درپی رزم اعتصابی کارگران ایران شاه ملعون را به فکر «اصلاحات» انداخت، شاید بتواند یازهم منافع امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، را در جامعه ما محفوظ نگهدارد.

۴ خرداد ۱۳۴۰
بیست‌سال پیش، کارگران صنایع بافندگی اصفهان بمنظور دست‌یافتن به پاره‌ای از خواسته‌های خود دست‌به‌اعتصاب زدند.

در آن زمان صنایع سبک بخش اصلی طبقه کارگر را در خود جای می‌داد و از مجموع صنایع سبک‌ساز که در سراسر کشور، هر یک بیش از دویمت کارگر داشت، بیش از هفتاد درصد این رقم به کارگران نساجی تعلق می‌گرفت، بطوری‌که در سالهای چهل، پیش از چهل‌هزارتن از کارگران مینما در کارخانه‌ها و واحدهای ریسندگی و بافندگی کار می‌کردند. از این رو نقش این کارگران و این بخش از ظرفیت تولیدی بسیار حساس و حیاتی بود.

وضع عمومی طبقه کارگر در آغاز سال چهل تا بهیچ‌وجه شرایط موجود در کشور نبود و جنبش اعتراضی کارگران بازنمایی از پیش‌قراول بودن آنان در مبارزه با رژیم منقر گذشته. برای کارگران قانون کار و تامین اجتماعی تنها بر روی کاغذ وجود داشت. برابر گزارش روزنامه کیهان (۱۳۳۹، ۱۲، ۲۵): «ماهنامه از حقوق کارگران مبلغ قابل‌ملاحظه‌ای بعنوان بیمه کسر می‌کنند، در حالی که سازمانهای بیمه اجتماعی هیچگونه خدمتی برای کارگران انجام نمی‌دهند.» دستمزد روزانه کارگران بندرت از ۶۵ ریال فراتر می‌رفت و در غالب موارد به نصف این رقم بالغ می‌شد، در حالی که بهای یک کیلو نان تازه ده ریال می‌رسید. برای درک بهتر شرایط کار و زندگی کارگران پایه، در نظر داشت که در غالب مواقع بر پرداخت دستمزد ماه‌ها به تأخیر می‌افتاد.

زنجیر خفقان در همه شئون حیات کشور آنچنان تنگ و فشرده بسته شده بود که قامت پهلوانی مردم ناگزیر باید آن را پس تدبیر درهم می‌شکست، تا آنکه فراغت و حداقل فرصت برای زندگی فراهم



تباجم تجاوزکاران چین به ویتنام

چین به تحریکات بیشتری در مرز ویتنام دست زده است. به گزارش مقامات ویتنامی، در روزهای ۳۱ اردیبهشت و ۱ خرداد ۶۰، توپخانه چین چندین بار نواحی مرزی استانهای لانگشان و هاتون را زیر آتش گرفت. نیروهای چینی به سرزمین ویتنام حمله و بسوی مردم غیر- نظامی تیراندازی کردند و به تخریب مزارع پرداختند. در این تهاجم چندین غیرنظامی کشته شدند.

نژادپرستان آمریکایی میخواستند یک سیاهپوست را «لینچ» کنند

سه سفیدپوست آمریکایی کوشیدند تا سیاهپوستی را در لانکستر (پنسیلوانیا) «لینچ» بکنند. مردمی که در اطراف بودند وی را نجات دادند، ولی پلیس از بازداشت جانان نودداری کرد. این رویداد به جنایات آتلانتا (جورجیا) شباهت دارد. در آنجا نیز مسیبن نژادپرست قتل‌نزدیک بهسی کودلو نوجوان سیاهپوست، تاکنون به مجازات نرسیده‌اند.

فرانسوا میتران: ما برای گفتگو با اتحاد شوروی اهمیت فراوانی قائل هستیم

فرانسوا میتران، رئیس جمهوری فرانسه، گفته است که «برای گفتگو با اتحاد شوروی اهمیت فراوانی قائل است. وی، در نامهای به لئوئیید برژنفه، از شادباش رهبر اتحاد شوروی بمناسبت انتخاب خود به ریاست جمهوری فرانسه سیاست‌گذاری و اظهار امیدواری کرد که «همانسان دوستانه و همکاری میان فرانسه و اتحاد شوروی گسترش یابد.» بگفته میتران، اینگونه مناسبات به «پیشبرد تقاض و امنیت در اروپا و در سراسر جهان کمک خواهد کرد.»

تروویست‌ها برای آزادی سرکردگان کودتای نافرجام در اسپانیا به گروگانگیری پرداختند

روز ۲ خرداد ۶۰، در بارسلنا (اسپانیا)، گروهی مسلح به تصرف یک بانک و گروگانگیری نزدیک به ۲۵۰ نفر دست زد. با آنکه گروگانگیرها، در این میان، چندین نفر را آزاد کرده‌اند، هنوز در حدود ۲۰۰ نفر در اسارت آنها پس می‌روند. آنها ماه پیش صورت گرفت. گروگانگیرها تهدید کرده‌اند که چنانچه به این خواسته آنها پاسخ مثبت نشود، در فواصل معین یک‌یک گروگانها را خواهند کشت. بانک در تصرف نیروهای امنیتی قرار دارد و مقامات میکوشند تا برای نجات گروگانها به مذاکره با تروویست‌ها بپردازند.

تظاهرات خشمگین مردم در ایرلند شمالی ادامه دارد

هزاران نفر از مردم سراسر ایرلند شمالی روز شنبه ۲ خرداد، برای شرکت در سوگواری ریهوند مکریش، در یکی از دهات کوچک نزدیک بلفاست گرد هم آمدند. ریهوند مکریش چهار روز پیش، پس از ۶۱ روز اعتصاب غذا، در زندان «لانگ‌کش» جان‌سپرد. پیش از او، سه مبارز دیگر نیز در این زندان بر اثر اعتصاب غذا جان خود را از دست دادند.

در موزه هنرهای معاصر تهران، از روز ۲۲ اردیبهشت ماه، نمایشگاه عکسی با نام «چنگ» به نمایش گذاشته شده است. خط کلی این نمایشگاه، علاوه بر مستند بودن آن، بیانگر جنبی هوئناک است که توسط امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بر مردم ما تحمیل شده است. این نمایشگاه در واقع خبر از تهاجم در ایجاد گسترده‌ای می‌دهد که فرم با پیش از خود گذشته‌ی در مقابل با آن، مبارزه خود را برای حفظ مین و انقلاب بسط و تکامل می‌بخشند.

با جنبش «پاگوش» آشناسویم

کنفرانس پاگوش مربوط به «دانش و روابط بین‌المللی» یا «جنبش بین‌المللی دانشمندان در راه صلح و خلع‌سلاح» است. این جنبش در ژوئن سال ۱۹۵۵ (تابستان ۱۳۳۴) که یازده نفر از دانشمندان نامی جهان، از جمله آلبرت اینشتین، برتراند راسل و فردریک زوولیو گوری پتنام دانشمندان جهان بنیامی فرستادند و از آنها دعوت کردند که فدای خود را علیه استفاده از انرژی اتمی برای منظوره‌های نظامی رسا کنند، بوجود آمد.

کنفرانس پاگوش هر سال یکبار تشکیل میشود و در جلسات غیرعلنی کار آن انجام میگیرد، بعلمت اینکه میبایست در این کنفرانس بطور آزادانه بر گزار شود. در این کنفرانس مهمترین مسائل مربوط به ترقیات علم در ارتباط با حفظ صلح جهانی مورد بحث و گفتگو قرار میگیرد. اسناد این کنفرانسها، بانضمام توصیه‌های علمی دانشمندان، برای سران دولت‌ها و دبیرکل سازمان ملل متحد فرستاده میشود. جنبش پاگوش در امر استحکام مبانی صلح، تقاض مقابل و همکاریهای علمی نقش مهمی دارد.

با شکل تازه‌ای از موضوع روبرو هستیم و توسط ربط این نمودها و اشکال تازه آنست که تصورات مانسبت به موضوع جنگ‌شکلهای خاصی می‌گیرد. گروه دوم عکس‌های اطلاعاتی از اتفاقات و حوادثی است که، آنچه را از پیش می‌دانستیم، به‌خاطر می‌آورد. در کل، عکس‌های به‌نمایش گذاشته شده نشاندهنده آن است که عکاس پرستاب معاصر و دوران انقلاب هر چند که واقعیات بسیار پیچیده‌تر از نظر هر یک از ما، درباره نمودهای تصویری است.

دانشمندان جهان با مسابقه تسلیحاتی مخالفند

«جنبش پاگوش» «تدارک چندین کردهای را در ژنو می‌بیند. اعضای این سازمان با سابقه دانشمندان، در این کردهایها به مسائل مبارزه با مسابقه تسلیحاتی و شروع خلع سلاح خواهند پرداخت.

چاپ جدید تقویم سال نو



با اصلاحات منتشر شد

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۲۸
(دفتر «نامه مردم» هنوز در اختیار «نامه مردم» نیست)
چاپ: کاویان
NAMEH MARDOM
No. 520
25 May 1981
Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.
خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی میتوانند به آدرس زیر «نامه مردم» مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۶۱/۳۵۵۱ منطقه ۱۴ پستی تهران

با تشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم